

تفسیر راهنما، طلعه‌دار تفسیر قرن پانزدهم

احمد ترابی

تفسیر راهنما که اکنون در ۲۰ مجلد به چاپ رسیده و در اختیار اهل نظر و قرآن پژوهان قرار گرفته است، به اذعان پژوهشیان و صاحبان رأی در ساحت مطالعات قرآنی، تفسیری است متفاوت با سایر تفاسیری که طی قرون گذشته به تبیین مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند.

این تفاوت را در چند زمینه می‌توان شاهد بود که برخی جنبه محتوایی و بنیادی دارد و بخشی به جهات صوری و شکلی آن مربوط می‌شود.

در کوتاه سخن می‌توان این تفسیر را نتیجه و دستاورد تحولات فکری و علمی جهان اسلام در قرن چهاردهم دانست و سبک و شیوه و نگاه آن را طلعه‌دار حرکت تفسیری نوین قرن پانزدهم به شمار آورد. تحولاتی که ناگزیر در ارتباط و تعامل با شرایط و دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در عرضه جهانی بوده و هست.

بدهی است که همیشه و در هر جا، دگرگونی‌ها و تحولات رو به کمال نیست و یا همسویی و تعامل با اقتضاهای پیرامونی مثبت ارزیابی نمی‌شود بلکه باید تغییرها را با ملاکهای علمی و ارزشی محاسبه کرد تا دریافت آنچه از بستر تغییرها و تحولات سر برآورده، مولودی سالم و طبیعی و منطقی است یا خیر.

در طول اعصار و قرون گذشته، مفسرانی تلاش کرده‌اند تا طرحی نوین در فهم کلام الهی دراندازند و گامی متناسب با نیازها و تحولات فکری و اجتماعی عصر خود بردارند که برخی از آنان موفق و گروهی ناموفق بوده‌اند. بخشی از تفسیرهای کلامی، عرفانی و علمی - تجربی را می‌توان در زمره حرکت‌های ناموفق و غیرقانونمند به شمار آورد که به جای تکامل و پیشرفت فهم دینی و قرآنی، ره‌آورد آنها تحریف مفاهیم و حیانی و تفسیر به رأی و تحمیل آرای غیر قرآنی بر متن قرآن بوده است.

تطبیق قرآن بر فرضیه‌های علوم تجربی - به گونه افراطی - و تفسیر و تأویل آیات بر پایه‌های دیدگاه‌های سوسیالیستی - در قرن چهاردهم - و تلاش برای پیاده کردن مبانی کلام جدید مسیحی در تبیین و تفسیر قرآن را می‌توان تلاش‌هایی ناموفق در جهت همسو شدن با نیازها و پاسخگویی به مسائل عصری دانست.

رخداد این نگرش‌های افراطی و بی‌ضابطه و تحریف‌گر باعث گردید تا جمعی از دینداران و دانشوران ساحت علوم دینی به موضع تفریط روی آورند و زیر عنوان سلفی‌گری بر ظاهر آیات جمود ورزند و در فهم و تعدیل و ترجیح روایات راه تساهل و بی‌دقتی بپیمایند و یا تنها راه صحیح فهم قرآن را بسنده کردن به مجموعه احادیث معرفی کنند.

فارغ از این دو جریان افراطی و تفریطی، جریان متعادل نیز استمرار داشته است با این ویژگی که هر مفسر متناسب با اطلاعات، منابع و معلومات کلامی، فلسفی، فقهی، ادبی و عرفانی عصر خود به یک یا چند جنبه از موارد یاد شده پرداخته است.

در این میان تفاسیر قرن چهاردهم از نوعی کمال و تنوع برخوردار است که بخشی از این کمال را مرهون بهره‌گیری گسترده از منابع و تفاسیر پیشین، و بخشی را مدیون تحولات اجتماعی و علمی زمان بوده است

سرعت تغییر و تکامل و تنوع نگاه در اعصار پیشین، بسیار کند و بطیء بوده است در حالی که این حرکت تفسیری در قرن

- چهارده سرعت بیشتری یافته است و انتظار می‌رود که تفسیر در قرن پانزده به شکلی پرشتاب‌تر راه تحوّل و تکامل را بپیماید.
- می‌توان تفسیر راهنما را - که به صورت خاصی از تفسیر المیزان و به شکل عامی از تفاسیر مهم گذشته بهره‌جسته است - در آمدی بر این حرکت نو و با این حال قانونمند دانست.

کمال و کاستی‌ها

آنچه تاکنون درباره تفسیر راهنما گفته آمد، شاید بر بعضی اندیشه‌ها گران آید چه اینکه در میان تفاسیر پیشین، تفسیرهای گرانسنگی وجود دارد که گاه فهم و دقت در آنها نه در حد پژوهشیان تازه کار که در شأن صاحب‌نظران علوم قرآنی است. در حالی که تفسیر راهنما با عباراتی ساده، کوتاه و به فارسی روان برای بسیاری از کسانی که می‌خواهند به تفسیر و فهم قرآن رو آورند قابل بهره‌برداری است.

این قلم به دلیل ممارست فعال در گروه‌های پژوهشی و تدوین تفسیر راهنما، چه بسا بیش از کسانی که با حاصل و نتیجه کار آشنا شده و به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند، به نقطه‌های کمال و کاستی این تفسیر واقف باشم - هر چند گاه انس و قرابت با یک موضوع مانع توجّه به برخی نقطه قوت‌ها و ضعف‌ها می‌شود - ولی در مجموع باید تصریح کرد که اگر گفته می‌شود تفسیر راهنما در مقایسه با تفاسیر پیشین، دستاوردهای جدیدی دارد و گام نو و حرکتی جدی و اساسی به شمار می‌آید؛ اولاً بدان خاطر است که از ذخائر علمی پیشین و منابع فهم تفسیری و روایی بهره برده است ثانیاً از امکانات و روشهای نو پیدای عصر خود در عرضه پیامها و نکته‌های قرآنی استفاده کرده است، ثالثاً - راه را برای استمرار مطالعات نوین قرآنی هموارتر نموده است. و این هم بدان معنی نیست که کمبودها و ضعفها و کاستی‌هایی در کار نباشد، که هست و باید تا حد ممکن مراکز پژوهشی - به ویژه مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات که بنای این تفسیر را استحکام بخشیده است - به تقویت آن همت گمارند.

بی‌شک تاکنون اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلفی از این تفسیر با عبارتهای بلند یاد کرده‌اند و ما در این نوشته در صد توصیف و تمجید نیستیم، بلکه هدف اصلی معرفی این تفسیر به گونه‌ای است که بتواند برای پژوهشیان مورد استفاده قرار گیرد و راه را برای تقویت و تکمیل این حرکت تفسیری هموارتر نماید، از این رو، به طرح نکات ذیل می‌پردازیم.

پیشینه طرح تفسیر راهنما

در مقالات و کتابهای مختلفی در این باره اظهار نظر شده است - از جمله در مقدمه جلد نخست تفسیر راهنما که جویندگان اطلاعات بیشتر می‌توانند بدانجا مراجعه کنند - اما به اجمال می‌توان گفت: جمعی از دانشیان حوزه علمیه قم در حدود سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به این نکته توجّه می‌کنند که دسترسی به منابع مهم اسلامی مثل قرآن و نهج البلاغه در برخی کتب حدیثی سهولت لازم را ندارد و برای دستیابی سریع و جامع به این منابع باید حرکتی را آغاز کرد.

این جمع از چند ویژگی برخوردار بودند: علوم حوزه را در حدّ بالا فرا گرفته و با اصول و روشهای علمی معتبر آشنا بودند، فراتر از علوم حوزوی با مباحث جدید مطرح در محافل علمی که خواه ناخواه از قلمروهای غیر اسلامی به سرزمین‌های

اسلامی از طریق ترجمه و یا تحصیل کردگان و الهام گرفته‌گان از فرهنگ غرب راه یافته بود مواجه بودند و می‌بایست موضع تفکر دینی و جامعه اسلامی را در قبال آن دیدگاه‌ها تبیین کنند.

فلسفه‌های غربی و اروپایی، مباحث کلامی جدید، دیدگاه‌های ماتریالیستی متکی بر استدلال‌های فلسفی و اصلاحات اجتماعی و ایده‌های رفاه‌گستر یا عدالت‌خواه از یک‌سو و سیطره دانش تجربی کشورهای غیر اسلامی که به سلطه سیاسی - فرهنگی - اجتماعی آنان بر جوامع دینی انجامیده بود از سوی دیگر، می‌طلبید که پاسداران اقالیم قبله روشها و سبکها و نگاهها و بیانها را در تبیین مواضع و آرمانهای دینی، هم تنوع بخشند و هم سهولت دهند و هم با نوع پرسشها و نیازها هماهنگ سازند، بلکه موضع دین را از دفاع به موضع مدیریت و خلاقیت و سازندگی ارتقا بخشند.

این گرایش‌ها در تاریخ ایران و برخی جوامع اسلامی به یک یا دو قرن گذشته نیز معطوف بود.

برخی معتقدند که حضور عالمان دینی در جریان اصلاحات اجتماعی مشروطیت گرچه ظاهری سیاسی - اجتماعی داشت اما روح آن را باید در نگاه نوین عالمان دین به چگونگی حضور دین در صحنه جوامع جست‌وجو کرد که پیش از آن از سوی سیدجمال‌الدین اسدآبادی پیگیری شده بود.

ارتباط این تحولات اجتماعی - سیاسی - فرهنگی با تغییر و تحول نگاه عالمان در تفسیر و تبیین مسائل دینی از آن رو بود که تحولات اجتماعی و سیاسی، ناگزیر تحولات فرهنگی را به دنبال داشت و در این تحولات فرهنگی نخستین رویارویی ایده‌ها و فرضیه‌ها در نظریه‌های جدید و ایده‌ها و آموزه‌های دینی شکل می‌گرفت.

رسالت عالمان دینی و کارشناسان مسائل اسلامی و مفسران قرآن و تبیین کنندگان سنت در مصاف میان فرهنگ مسلط وارداتی و فرهنگی دینی، این بود که دین را از موضع مقهوریت بیرون آورده و در جایگاه بایسته آنکه جایگاه پاسخگویی، هدایتگری و مدیریت و سازندگی فکری و اجتماعی است قرار دهند. و به تعبیر دقیق‌تر، ظرفیت‌های نهفته دین و احکام و عقاید دینی را شناسایی کرده و به نسل و عصر خود معرفی کنند.

اظهار نظرهای سیاسی - دینی عالمان مبرز در مشروطیت و تلاش آنان برای تبیین نظری دیدگاه اسلام در مقولات سیاسی اجتماعی، شکلی از ایفای این رسالت دینی بود.

تدوین کتابهایی در رد شبهات دینی و پاسخگویی استدلالی به آنها وجه دیگری از این وظیفه داری بود.

روی‌آوری به تبیین و تشریح فلسفه اسلامی در مواجهه با فلسفه‌های مادی و ماتریالیستی و دیالکتیکی گونه دیگری از این هدمندی بود.

رویکرد به تفسیر قرآن با بیان روز و استخراج مفاهیم اجتماعی و فلسفی و اخلاقی و اعتقادی که بتواند ناظر بر نیازها و

پرسشهای نسل معاصر باشد چهره دیگری از این حرکت مصلحانه بود که اوج آن را در المیزان می‌توان شاهد بود.

تبیین و تشریح فقه سیاسی اسلام و شفاف‌سازی دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه و عزت‌جویانه دین و تأکید بر ضرورت حفظ کیان مسلمانان و امت اسلامی صورتی دیگر از این معنی بود.

استمرار این رسالت علمی و معنوی - و در عین حال مصلحانه و انسانی - نیاز به آبخوری فراخ داشت، آبخوری که نمی‌توانست خارج از سرچشمه‌های زلال قرآن و سنت باشد.

این بود که ضرورت بازبینی و واکاوی معارف قرآنی و روایی به شدت احساس شد و شیوه‌های نوین بر اندیشه جویندگان جوانه زد که تهیه «معجم معنایی» با عنوان «فرهنگ قرآن» یکی از آنها بود.

از معجم‌های لفظی تا معجم معنایی

تهیه معجم‌های لفظی قرآن را می‌توان مرتبه نازلی از شکل‌گیری معجم معرفتی و معنایی دانست. تا پیش از تدوین «کشف الآیات» و «معجم المفهرس» تنها کسانی می‌توانستند از مجموعه آیات و معارف جامع قرآنی بهره گیرند که، یا حافظ کل آیات باشند و در ذهن خود احاطه بر الفاظ - و به تناسب فهم معنای - آیات داشته باشند و یا برای تحقیق در یک مقوله بارها و بارها قرآن را مرور کنند. در حالی که بسیاری از حافظان قرآن به دلیل صرف توان خود در فراگیری و حفظ آیات، فرصت و مجال و یا امکان تأمل در مناسبات میان آیات مرتبط و تحقیق موضوعی در آیات را نداشتند و کسانی که احاطه حفظی بر مجموعه آیات را کسب نکرده بودند برای تحقیق در یک موضوع می‌بایست صرف وقت فراوان کنند. تهیه «کشف الآیات» و کارآمدتر از آن. «معجم المفهرس» آیات قرآن، هم بر حجم و سرعت جستارهای قرآنی افزود و هم بر دقت آن.

اما این حرکت تنها می‌توانست راهنمای لفظی آیات باشد، در حالی که مهم‌تر از الفاظ، معنی و معارف بود و اساساً الفاظ از آن جهت می‌توانست مورد توجه باشد که نوعی هدایت به معنی دارد و چون فهم معانی الفاظ قرآنی و دریافت پیامهای آیات خود میدانی دیگر بود می‌بایست، فهرستی از معانی و معارف قرآنی تهیه می‌شد. تا کار تحقیق و پژوهش در آن سریع‌تر و آسان‌تر صورت گیرد و از دقت و اتقان بیشتری برخوردار شود.

مراحل شکل‌گیری معجم معنایی (کلید مفاهیم قرآن)

از آنچه مبتکر و و طراح این روش، جناب حجة الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی در مقدمه جلد اول تفسیر راهنما نگاشته است استفاده می‌شود که طرح آغازین این حرکت بیش از آنکه جنبه تفسیری داشته باشد، کاری در جهت جداسازی و دسته‌بندی پیامهای محتوایی قرآن و تلاش به منظور آسان‌یابی مفاهیم بوده است.

در حقیقت نگاه نخستین به معجم معنایی، چندان پیچیده و تودرتو نبوده است، بلکه به نظر می‌رسیده که با مختصر دقت در مجموع مطالب یک آیه می‌توان موضوعات مربوطه را با عناوین تک واژه‌ای مشخص کرد و در نهایت از مجموعه واژه‌های به دست آمده (= نمایه‌ها) به فرایند تفسیر موضوعی ره یافت.

مثالی که طراح «کلید مفاهیم قرآن» برای این مرحله از کار ارائه کرده چنین است:

انسان

تاریخ سابقه تاریخی جامعه متحد و بی‌اختلاف بشریت

وحدت کان الناس امه واحده

جامعه

اختلاف

با این روش اگر همه آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گرفت، چنانچه موضوع مورد مطالعه مربوط به «جامعه» بود، محقق می‌توانست مثلاً دویست آیه که به شکلی ناظر به «جامعه» بود و درباره آن نظری را ابراز داشته بود در «کلید مفاهیم قرآن» بیابد و با جمع‌بندی آنها به دیدگاه قرآن درباره جامعه دست یابد.

اما زمانی که کار، مراحل تکمیلی را پیمود و به ویژه زمانی که مجموعه یادداشت‌ها و فیشهای اولیه در اختیار مرکز فرهنگ قرآن دفتر تبلیغات اسلامی قم قرار گرفت، مشخص شد که آنچه انجام گرفته:

- 1- می‌تواند بخشی از کار و مرحله‌ای از آن باشد و بهره‌گیری از این نمایه‌ها در کنار تیتراهای کوتاه، تنها برای کسانی قابل بهره‌گیری است که با نوعی تخصص قرآنی بتوانند مستند هر واژه را در آیه شناسایی کنند.
 - 2- برخی برداشت‌های ثبت شده را بر اساس معیارهای دقیق تفسیری نمی‌توان توضیح داد.
 - 3- برداشت‌های زیاد دیگری از آیات می‌توان داشت که هم مفسران به آن اشاره داشته‌اند و هم با معیارهای تفسیری قابل توضیح و استناد است ولی مبدع طرح به آنها اشاره‌ای نداشته است.
 - 4- سبک تدوین جمله‌ها - که مرجع نمایه‌ها خواهد بود - و بخش مهمی از بار معنایی را بر دوش می‌کشد باید از سبک و سیاق خاصی پیروی کند که فهم معنی از آن دقیق باشد و ساختار جمله از نظر ادب فارسی کامل به شمار آید.
- دریافت این نکته‌ها و اقدام به بازنگری و تکمیل برداشت‌ها، فرصت درخور توجهی را به خود اختصاص داد، زیرا زمانی که محققان از سوی مرکز فرهنگ قرآن برای پژوهش و کار روی این پروژه دعوت به همکاری شدند، برای بیشتر محققان در آغاز امر، سبک و روش و هدف و معیارهای خاص این تفسیر چندان شفاف نبود و اساساً برخی نتوانستند در مسیر پژوهش گامی هماهنگ بردارند و آنان که پایداری ورزیدند طی نشستهای متعدد و مشاوره‌های طولانی در نهایت نتوانستند به سبکی منسجم و قانونمند دست یابند.

یکی از شگفتی‌های این پژوهش که از دشواری آن نیز به حساب می‌آید این بود که هر قدر بر میزان دقت افزوده می‌شد، باز هم دستیابی به نهایت و سخن آخر و حرف پایانی دشوار می‌نمود، و از آنجا که تأکید بر این امر می‌توانست مانع پیشرفت کار شود به سطحی از این معیارها و ضوابط بسنده شد. تا چارچوب اصلی طرح شکل‌گیرد و کار تکمیل و تکامل در دوره‌های بعد؛ یا به وسیله همین محققان و یا ژرف اندیشان دیگر، صورت پذیرد.

کار مستمر گروه‌های پژوهشی و مطالعه تفاسیر متعدد از سوی محققان، پیش از تشکیل جلسات مشورتی و جرح و تعدیل پیامهای استخراج شده از سوی هر محقق و اصلاح و تصویب آن، سبب شد تا «کلید فهم قرآن» که به عنوان «فرهنگ قرآن» انتشار می‌یابد، عملاً به تفسیرهای جامع و ریزنگر و به صورت راهنمایی برای پژوهشهای موضوعی در قرآن، ظاهر شود.

مهم‌ترین دستاورد تفسیر راهنما

از نگاه اهل نظر، تفسیر راهنما دستاوردهای متعددی داشته است، از آن جمله:

- 1- ابداع سبک نوین در تدوین تفسیر
- 2- بهره‌گیری از منابع معتبر و متعدد تفسیری در چارچوب اصول پذیرفته شده.
- 3- تلاش در داشتن جامعیت نگاه نسبت به مسائل ادبی، عرفانی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، طبیعی، فقهی و ...
- 4- انجام کار با هم‌اندیشی و هم‌فکری گروه‌های پژوهشی
- 5- ریزنگری در آیات و واژگان قرآنی فراتر از آنچه از سوی مفسران دیگر صورت پذیرفته بود.
- 6- بهره‌گیری از معیارهای قرآنی در فهم قرآن.

7- توجه به روایات در تفسیر قرآن همراه با نگاه نقادانه نسبت به صحّت و همخوانی آنها با متن قرآن و فرهنگ دینی .
8- بهره‌گیری از نمایه‌ها به دو شکل - در پایان هر آیه و پایان هر جلد - به منظور تسهیل دستیابی به معارف مرتبط و پژوهش موضوعی در قرآن .

9- مستندسازی هر برداشت به متن قرآنی و ارائه دلایل برداشت
10- تفکیک میان برداشت‌های صریح و تردیدناپذیر و برداشت‌های احتمالی که انتساب آنها به قرآن چندان روشن و قطعی نیست .

11- فراهم آوردن زمینه پژوهشهای متعدّد قرآنی و هموار ساختن مسیر تدبّر و دقّت در معارف وحی .

12- امکان بهره‌وری از آن برای سطوح عالی و متوسط علمی
در این میان مهم‌ترین دستاورد تفسیر راهنما از نگاه این قلم به اصل ابداع شیوه مطالعه در قرآن مربوط می‌شود، زیرا این سبک و روش است که می‌تواند از سوی محققان تا آینده‌های دور مورد استفاده قرار گیرد و به دستاوردهای نوین نیز منتهی شود.

پیش فرضهای تفسیر راهنما

شیوه و روشی که تفسیر راهنما در فرایند تفسیر به کار گرفته است و از ابداعات و رهاوردهای آن به شمار می‌آید، در صورتی پسندیده و پذیرفته خواهد بود که پیش‌فرض‌های این روش تفسیر مورد پذیرش قرار گرفته باشد.
این پیش‌فرض‌ها عبارتند از:

یک . قرآن با همین قالب‌های عبارتی و ساختار و ترکیب کلام الهی است و حتّی نوع واژگان و تک‌تک حروف آن با عنایت خاص خداوند در کنار هم چیده شده است .

دو . نه تنها ظاهر پیامهای قرآنی دارای حجّیت است که دلالت‌های فحوایی، تضمنی و التزامی آن نیز مورد توجه فرستنده وحی بوده است .

سه . قرآن در درجه نخست کتابی دینی است و در صد اصلاح اندیشه و بینش انسان نسبت به آفرینش و آفریدگار هستی و تربیت آدمیان به آداب الهی است، ولی از آنجا که انسان در متن طبیعت زندگی می‌کند و نمی‌توان او را از زندگی مادی و اجتماعی جدا ساخت، بلکه حکمت الهی اقتضا کرده است تا هدف آفرینش انسان با زندگی مادی و جسمانی او در هم آمیخته و تفکیک‌ناپذیر باشد، ناگزیر این کتاب آسمانی، واقعیت‌های زندگی زمینی را از نظر دور نداشته است و با همین ابزار و امکانات مادی او را رشد داده، آزمایش نموده و کیفر و پاداش را بدو یادآور شده است .

این است که این کتاب و حیانی همچنان که کتاب معنویت و عقیده شناخته می‌شود، کتاب انسان با جهان و طبیعت نیز هست، گاه با صراحت و زمانی با اشارت به هستی مادی نگرسته و درباره آنها داوری کرده است. داوری‌ها و اشاراتی که هر یک به یکی از مقولات علوم تجربی و انسانی ارتباط می‌یابد .

چهار . گرچه قرآن مانند کتابهای علوم تجربی و بشری، عهده‌دار بیان رموز و ویژگیهای علمی نظام طبیعت و وجود انسان نبوده و نیست، ولی از آنجا که نزول قرآن از جانب خدای «علیم» و «حکیم» بوده است و در صریح آیات قرآن آمده است که احکام دین و باید و نبایدهای و حیانی دارای ملاک‌های واقعی است و ریشه در هستهای هستی دارد و از سوی دیگر شناخت هستی و

نظام‌های حاکم بر طبیعت، حیات و وجود انسان راهی به سوی شناخت آفریدگار آن دانسته شده است، ناگزیر همه پیام‌های قرآنی چه در بعد عبادات و اخلاق و قوانین و چه در زمینه مسائل اجتماعی، انسانی و طبیعی ناظر به واقعیتهای هستی بوده و کمترین تخطی از واقعیت‌ها یا ناسازگاری با هسته‌های نظام وجود ندارد.

به تعبیر دیگر خدای هستی، خدای یگانه است و او است که هم آسمان را آفریده و هم زمین را، هم طبیعت را رقم زده و هم وجود انسان را، هم جسم را آفریده و هم روح را، و چون آفرینش او متکی به علم و قدرت و حکمت و عزت است در کل آفرینش او تناقضی مشهود نیست و هموست که در کنار کتاب تکوین، کتاب تشریح را آفریده است بدون کمترین فطور و کاستی و ناهمخوانی.

این است که حتی از گزاره‌های دینی، اخلاقی و تربیتی و تاریخی قرآن نیز می‌توان، شناخت اسرار و ارتباطات نهفته هستی و ویژگی‌ها و نیازهای واقعی انسان و ضوابط حاکم بر جوامع انسانی را توقع داشت، هر چند این شناخت در طول زمان و به تدریج و متناسب با ظرفیتهای علمی - فرهنگی و تجربی انسان قابل دستیابی باشد.

پنج. نظم آیات قرآن و تنظیم سوره‌های قرآنی هر چند با ترتیب نزول آیات تفاوت دارد، ولی نظم کنونی به راهنمایی و ارشاد خود پیامبر(ص) صورت گرفته است و در اعصار بعد مورد تأیید اهل بیت(ع) - به عنوان آگاهان واقعی به قرآن و پاسداران قلمرو دین - قرار گرفته است.

از این رو است که می‌توان از سیاق آیات و ارتباط مطالب یک سوره یا بخش‌هایی از یک سوره نیز برداشت‌های معرفتی داشت. شش. گرچه حقیقت پیام الهی فراتر از هر قالب زبانی و گویش بشری است، اما از آنجا که حکمت الهی اقتضا کرده است تا آن حقیقت متعالی را در ظرف کلام و ادبیات بشری - که آن را هم خود به انسان تعلیم داده است - نازل نماید، بدیهی است که در این روند به کامل‌ترین شکل و دقیق‌ترین وجه، ظرفیتهای این قالب بیانی را اشباع کرده است و همچنان که در یک لغت و گویش کامل بشری از مفاهیم مطابقی، التزامی، تضمینی استفاده می‌شود و الفاظ گاه در معنای حقیقی و زمانی در معانی مجازی به کار می‌روند و مطالب گاه به کنایه یا با تمثیل ارائه می‌شوند و گاه با یک عبارت چندین مقصود پیگیری و ایفاد می‌شود و... قرآن نیز از همه این ظرفیتهای بهره‌جسته است، و به همین دلیل می‌توان از دلالت‌های فحوی و اولوی و کنایی و... بهره جست و نتیجه گرفت و به ظواهر و دلالت‌های مطابقی بسنده نکرد.

و نیز به همین دلیل مجاز خواهیم بود تا از قوانین ادبیات گفتاری عام بشری و قوانین ادبی خاص لغت عرب و رموز بلاغی آن در تفسیر و تبیین مقاصد آیات استفاده کنیم.

هفت. حجم محدود آیات و سوره‌های قرآنی در صورتی می‌تواند پاسخگویی نیازهای روزافزون و گونه‌گون انسان در طول تاریخ شناخته شود که مجال تفکر و استنتاج داشته باشد.

به تعبیر دیگر اگر پهنای آیات قرآن از ژرفای لازم برخوردار نباشد، انسان به زودی احساس خواهد کرد که بر مجموعه معارف قرآنی احاطه یافته و دیگر انتظار پیام جدید و دستاورد نوین را نباید داشته باشد. و در این صورت است که پیام به تدریج، رو به کهنگی و تکرار می‌گذارد و اگر پرسشهای یک نسل را پاسخ دهد، در برابر پرسشهای جدید ساکت خواهد بود اما اگر قرآن دارای لایه‌های متعدد معرفتی باشد و پیامهای خود را به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف در حجم محدود آیات، نهفته باشد، در این صورت، پژوهش در آیات قرآن و جست‌وجو در فهم مرادات و مقاصد و اشارات آن از میدان گسترده‌ای برخوردار خواهد بود که هر جوینده‌ای به قدر استعداد، تلاش و ظرفیتهای معرفتی و نیازهایی که احساس کرده است می‌تواند از آن بهره جوید؛

بی‌آنکه به تکرار و کهنگی گرفتار شود.

خدای قرآن، همان خدای طبیعت است!

چگونه اسرار آفرینش و رموز و قوانین طبیعت در متن ماده به گونه‌ای تعبیه شده است که انسان طی هزاران سال به کاوش پرداخته ولی هنوز تنها به بخشی از آنها راه یافته و هر روز گوشه‌ای دیگر از آن را کشف می‌کند و این کاوش علمی نه تنها از تازگی و کارآمدی دانش تجربی نکاسته که هر روز به آن اهمیت بیشتری داده و می‌دهد.

آیا ظرفیت کلام و معانی و ادبیات بیانی کمتر از ظرفیت عناصر محدود ماده است!

- این سخن را از آن رو آوردیم تا کسانی که به لایه لایه بودن معارف و وجود سطوح مختلف پیامهای قرآنی و بطون هفت‌گانه یا هفتادگانه قرآن با نگاه تردید و ابهام می‌نگرند لختی درنگ کنند و ذهن خود را به دقت و تواضع فرا خوانند.

اعتقاد به این اصل به پژوهشگر قرآنی اجازه می‌دهد تا با همت بیشتر و انتظار فزون‌تر به بازخوانی و بازنگری قرآن بپردازد، زیرا یافته‌های گذشته انسان و پرسشهای جدید او به وی این توان را می‌دهد تا سرّی دیگر و بیانی دیگر از قرآن را شناسایی کند. هشت. روایات وارد شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هر چند تفسیر حقیقی و جدّی آیات قرآنی است، اما این بدان معنی نیست که جز معصومان علیهم السلام کسی قادر به فهم قرآن و برداشت از آن نباشد - اگر چنین بود خداوند از اهل ایمان نمی‌خواست تا در آیات قرآن تدبّر کنند. بلکه دستور می‌داد تنها در سنت و روایات تدبّر نمایند.

اعتبار و اهمیت روایات و تفسیر مأثور نیز بدان معنی نیست که آنچه در روایات آمده بیان تمامی معنی و مراد یک آیه باشد، بلکه گاه در روایت، مصداقی از مصداقها و یا بخشی از یک معنی را متناسب با سؤال مخاطب یا فهم او بیان شده است.

در حقیقت، روایات تفسیری را باید به سطوح مختلفی تقسیم کرد، بخشی از روایات، حاصل معانی و مفاهیم عمده و مبنایی است که اصلی از اصول تفسیری را آموزش می‌دهد و قاعده‌ای از قواعد معرفتی و معیاری از معیارهای اساسی فهم قرآن را تبیین کرده است. در حالی که دسته‌ای دیگر از روایات درصدد بیان مصداقها و یا بارزترین مصداق یک آیه هستند و یا وجهی از وجوه معنی را متناسب با درک و استعداد مخاطب بیان کرده است و ...

بنابراین جمود بر ظاهر روایات در تفسیر قرآن، کاری غیر علمی و نامعتبر است بلکه مهم‌ترین نقش روایات را باید در این دانست که شیوه استفاده از کلام الهی را به اهل ایمان آموزش داده و معیارها و ملاکهای تفسیر صحیح را به تدبّرکنندگان در قرآن ارائه کرده است.

از نظر این قلم - اینها مهم‌ترین پیش فرضها و اصول پذیرفته شده تفسیری، چون تفسیر راهنما است که در واژه‌ها، جمله‌ها، آیات، سیاق آیات، دلالت‌های التزامی و فحوایی و مناسبات آیات به جست‌وجوی پیام و معنی پرداخته‌اند و یا می‌پردازند.

چه بسا برخی از این اصول بدیهی بنماید و احساس شود که یادکرد آنها چندان ضرورت ندارد، اما حقیقت این است که رواج کلام جدید حوزه‌های مسیحی در اندیشه برخی پژوهشگران و یا بهره‌وران از ترجمه آثار یاد شده، سبب گردیده است تا مسلم‌ترین اصول، از سوی آنان مورد تردید و تشکیک قرار گیرد و یا دستخوش قبض و بسط گردد.

اگر کسانی معتقد شوند که قرآن حاصل تجربه شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله است و آنچه را در ذهن و فکر خیالش دریافت کرده با عباراتی بشری بیان داشته است، در این صورت برداشت از واژه‌ها و الفاظ می‌بایست در حدّ برداشت از کلمات بشری باشد و تصوّر بطون و لایه‌های معرفتی مجال نخواهد داشت!

راهی که در آینده باید پیمود

یک - تفسیر راهنما، همچنان که در مقالات و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و بنیان آن آمده است، آغاز راه است و نتیجه مهم‌تر را باید در مراحل بعد زیر عنوان فرهنگ قرآن یا تفسیر موضوعی جست‌وجو کرد - که چنین نیز هست - اما نباید غفلت ورزید که بزرگ‌ترین خلأی که در مسیر تدوین تفسیر راهنما ذهن برخی محققان و پژوهشگران را به خود معطوف کرده بود خلأ مطالعات تخصصی بود.

توضیح اینکه اگر آیات در گروه‌های پنج نفری ابتدا مطالعه و سپس فیش‌برداری و پس از آن به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شد و به روشنی مشهود بود که هر محقق متناسب، با مطالعات و علقه‌های علمی و فکری و فرهنگی و استعدادهاى شخصی خود به برداشت از قرآن رو آورده است. درست مانند کسانی که وارد محیطی بزرگ و پر امکانات شوند و بخواهند از موجودی آن محیط، اشیا و لوازم مورد نیاز خود را بردارند و خارج شوند. اگر هنگام خروج ملاحظه شود، آشکارا دیده می‌شود که هر فرد به اندازه توان و تناسب با احساس نیاز و تحلیل خود، اشیائی را ارزشمند دانسته و به همراه برداشته است. محققان نیز برخی دارای گرایش ادبی، بعضی دارای علقه‌های فلسفی و عرفانی، دسته‌ای متمایل به مباحث اخلاقی و تربیتی، و گروهی علاقمند به موضوعات اقتصادی اجتماعی و سیاسی و... بودند و به تناسب همین علاقه‌ها و اطلاعات پیشینی، به اصطلاح معانی از ژرفای معارف قرآنی می‌پرداختند.

این امر نشان می‌داد که: ۱- اگر محققان در رشته خود از تخصص و دقت بالاتری برخوردار باشند؛ ۲- اعضای یک گروه پژوهشی از تخصص‌های بیشتری در حوزه‌های علوم انسانی و حتی علوم تجربی و طبیعی بهره‌مند باشند، دستاورد و نتایج تفسیر به مراتب قوی‌تر و پربارتر خواهد بود.

بنابراین هنوز مجال این گونه پژوهش باقی است و این راه می‌تواند همچنان ادامه یابد و گروه‌های تخصصی می‌باید با شیوه‌ها و معیارهای به کار گرفته شده در تفسیر راهنما به تعمق و تدبیر و جستار در قرآن پردازند. هر چند پس از تدوین اولیه تفسیر راهنما و شکل‌گیری ۲۰ مجلد، افزوده‌های هر گروه پژوهشی از نظر کمیت انبوه نخواهد بود، ولی از جهت کیفیت قطعاً حائز اهمیت بوده و مورد استفاده رشته و گرایشهای گوناگون علمی قرار خواهد گرفت.

دو - یکی از مشکلاتی که حوزه مطالعات دینی ما طی قرون گذشته بدان مبتلا بوده و در دو سه دهه اخیر تلاشهایی برای رهایی از آن صورت گرفته، این است که مطالعات و پژوهشهای ما در قلمرو مسائل دینی، بیشتر جنبه نظری و ذهنی داشته و کمتر به کارآمدی و شیوه‌های کاربردی شدن آن در متن زندگی انسان‌های معاصر اندیشیده شده است.

بسیاری از فعالیت‌های علمی - دینی ما طی قرن‌ها، همانند مطالعات نظری ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان و شیمی‌دان‌هایی بوده است که با دقیق‌ترین محاسبات به حل مسائل و کشف روابط و درک عناصر و خواص مواد نایل آمده، ولی از آن محاسبات دقیق در ساخت صنعت و یا ساخت و تهیه داروها عملاً استفاده‌ای نشده باشد در حالی که شاهد هستیم که در حوزه علوم تجربی و حتی علوم پایه به مجرد رهیافت محققان به دستاوردهای جدید، به سرعت آن طرح نظری، به واقعیتی عینی و جدی و مؤثر در زندگی انسان تبدیل می‌شود و مورد بهره‌برداری و استفاده انسانها قرار می‌گیرد.

با این مقدمه در صدد تأکید بر این نیاز هستیم که مطالعات قرآنی نباید در خلأ انجام گیرد، بلکه باید مطالعات و پژوهشهای دینی عموماً و قرآنی خصوصاً جامعه‌نگر باشد، نیازهای زمان را در نظر گیرد و این تلاشها در نهایت به طرحی برای ساخت جامعه‌ای برتر، اخلاقی‌تر، عادلانه‌تر و عزیزتر منتهی گردد و این کاری است که - دست کم این نویسنده - فرد یا گروه یا

مرکزی را نمی‌شناسد که نسبت به آن اعلام فعالیت کرده باشد و حتی به یاد نمی‌آورد که در نوشته‌ها و گفته‌ها چندان مورد تأکید قرار گرفته باشد. هر چند به صورت آرمانی نهفته در قلب و ذهن همه مؤمنان و مصلحان وجود داشته و دارد، اما هرگز کافی نیست.

در پایان یادآور می‌شوم که آنچه در تجزیه و تحلیل تفسیر راهنما به رشته تحریر درآمد، فهم و دیدگاه این نویسنده نسبت به تفسیر راهنما - به عنوان فردی است که نقشی طولانی مدت در گروه‌های پژوهش‌های آن داشته است - و نباید آن را نظر و دیدگاه همه محققان فعال در این پروژه مطالعاتی دانست، چه بسا برخی از نیروهای مؤثر در شکل‌گیری این تفسیر، آرا و دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند و در آینده به طرح آن دست یازند.